

## روزنامه نگارانی که این روزها ستایشگر قدرت شده اند

مهر 1392 16

خبرنگاران ایران - نیکی آزاد: نگاهی گذرا به روزنامه هایی که این روزها در کشور منتشر می شود، نشان می دهد که آنها چه خط و مشی ای را در پیش گرفته اند . اغلب روزنامه های معروف به اصلاح طلب آکنده است از عکس های رئیس جمهوری جدید ایران یا هیات دولتش که معمولا با خبرها و گزارش هایی که زبان و گفتار ستایش آمیز در باره آنها دارد، همراه است . این روزها تعداد مطالب انتقاد آمیز و نظارتی در این روزنامه ها تقریبا به صفر رسیده است . روزنامه های وابسته . به طیف اصولگرا هم مملو است از خبرهایی نفرت آمیز ، خبرهایی در جهت تخریب و تولید نفرت اما به راستی وظیفه روزنامه نگار به ویژه در زمان چرخش قدرت سیاسی چیست؟ ستایش یا تولید نفرت و یا تعهد به مردم و اطلاع رسانی و نظارت دقیق نسبت به عملکرد دولتها ؟ آیا زمانی که روزنامه نگار برای خود نقش اپوزیسیون قدرت سیاسی را قائل می شود در چنین مسیری می افتد؟ و در نهایت آنکه روزنامه نگاران در ایران چقدر از قواعد روزنامه نگاری جهانی به ویژه در زمان هایی چون تغییر قدرت سیاسی استفاده می کنند ؟ آیا آنها اصول خود ساخته ای دارند که در زمان های خاص مجازند از آنها استفاده کنند ؟ یا آنها هم همچون روزنامه نگاران در سراسر دنیا باید از قواعد معین جهانی تبعیت کنند ؟ این سوالات و دیگر سوالاتمان را با برخی از روزنامه نگاران داخل و خارج از کشور در میان نهادیم

### شیفتگی و خشونت کار رسانه نیست

این روزها ستایش و تعریف در برخی از روزنامه ها به جایی رسیده است که برخی از مردم عادی و سیاستمداران نیز نسبت به این روند معترض شده اند. دیدن گزارش هایی با مضمون ستایش آمیز، استفاده از صفات کیفی در توصیف اعضای هیات دولت و رئیس جمهور، نادیده گرفتن عملکرد و سخنان دولتمردان از این مواردند. از سوی دیگر روزنامه های اصولگرای وابسته به حکومت نیز زبان خشن تری به خود گرفته اند یک کاربر فیس بوک در صفحه اش مینویسد: «بیشتر خطایم به روزنامه نگاران است فضا طوری شده که اصلا نمیشه به آقای روحانی انتقاد کرد . این بار هم به «. خاطر بت سازی ضربه خواهیم خورد و بیشتر هم از رسانه ها محمد علی ابطی که در دولت سید محمد خاتمی مسئولیت دفتر رئیس جمهور را بر عهده داشت نیز در فیس بوک شخصی خود به این روند انتقاد می کند و می نویسد : «به دوستان دست اندر کار رسانه های مکتوب و مجازی هوادار دولت توصیه می کنم که خود آغازگر نقد منطقی از دولت شوند. دولت بی منتقد موفق نمی شود. اگر «. هواداران هر دولتی بیش از مخالفانش نقد منطقی نکنند و شیفته و بشویند، حتما آن دولت آسیب می بیند. شیفتگی کار رسانه نیست. کار رسانه ها واقع بینی است رضا ویسی، خبرنگار رادیو فردا هم به سایت خبرنگاران ایران می گوید: «وظیفه اصلی روزنامه نگار اطلاع رسانی است و اگر خبر رسانی مورد نظر است باید تا آنجا که ممکن است سریعتر، دقیق تر و جامع تر از اخبار سایرین باشد . وظیفه روزنامه نگار ستایش قدرت یا تولید نفرت از قدرت نیست . این وظیفه نه تنها در «روزنامه نگاری بلکه حتی در سیاست ورزی نیز نمی تواند مبنا باشد و بیشتر وظیفه کسانی است که در امر تبلیغات سیاسی هستند

### خویشتن داری حرفه ای گریزی برای زبان خشن و ستایش آمیز

آیا تغییر قدرت سیاسی در ایران همواره با نوعی هرج و مرج همراه بوده است ؟ و اینک زبان خشونت بار برخی رسانه ها و ستایشگر دیگران عادی است؟ علی اصغر رضانبیور، روزنامه نگار در گفتگو با سایت خبرنگاران ایران می گوید: « همیشه در ایران تحولات سیاسی با تغییر در لحن سخن گفتن روزنامه ها همراه بوده است. هم به دلیل تغییر زبان رسمی و تغییر محدوده های مجاز سخن گفتن و هم به دلیل مطرح شدن موضوع های تازه. همچنین در این تغییر فضا گروهی از صحنه کنار می روند و گروهی هم می آیند. این بخشی از سرنوشت روزنامه نگاری در تاریخ ایران است. وقتی با این نگاه به تحولات ماه های اخیر در روزنامه نگاری نگاه می کنیم چند تغییر می بینیم: روزنامه های نزدیک به اصول گرایان ناگزیر شده اند زبان بازتری اختیار کنند. روزنامه های نزدیک به اصلاح طلبان

صراحت بیشتری یافته اند و روزنامه های کمی بی طرف تر دامنه موضوعی خود را گسترش داده اند. اما این تغییرات به دلیل ماهیت مسلکی روزنامه نگاری در ایران با دو تحول همراه است که باز هم در تاریخ روزنامه نگاری ایران بی سابقه نیست: مجادلات رتوریک و پلمیک و خشونت زبانی. نخستین نمونه بروز این دو «. ویژگی را می توان در روزنامه نگاری دوره مشروطیت دید

این روزنامه نگار که زمانی خود معاونت فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد را نیز در دولت محمد خاتمی بر عهده داشته در ادامه سخنانش با نگاهی تاریخی موضوع حاکم شدن زبان خشونت آمیز و ستایش گر بر مطبوعات را بررسی می کند: «در دوره مشروطیت و پس از پیروزی نهضت طرف های مختلف به جان یکدیگر افتادند. همین تجربه در سالهای پس از شهریور بیست و بعدا در سال های ۵۷ تا ۵۹ هم اتفاق افتاد. در ایران همواره تجربه آزادی با نوعی هرج و مرج همراه بوده است که در دوران مدرن این ویژگی تاریخی خود را در روزنامه نگاری خشن و بی قاعده نشان می دهد. همین ویژگی سبب می شود روزنامه نگاران ایرانی برای بی «طرف نماندن در وسط معرکه به یک سو مایل شوند

به گفته این روزنامه نگار دلایل ساختاری دیگر مثل تکیه روزنامه نگاران به سرمایه گذاران دارای جهت گیری سیاسی، محدودیت نوشتن در فضاهای لطیف تر مانند عشق و حوزه های نزدیک به جنسیت یا بخش های به زیر زمین رفته زندگی در ایران نیز گاه روزنامه نگاران را به جنگ خشونت بار با یکدیگر می کشاند. این نکته روانشناسی را فراموش نکنیم که سانسور و سرکوب آزادی بیان به ذخیره میل به خشونت در درون آدمی منجر می شود. بنا بر این احساس هرج و مرج و سیاست سانسور هر دو با هم زبان خشن را برای روزنامه نگاری ما به ارمغان آورده اند و رسیدن به زبان غیر خشن یا غیر ستایش آمیز یا غیر تقدیس گر قدرت پیش از دانش روزنامه نگاری یا توسعه تکنیک نوشتن، به میزانی از خوشتن داری حرفه ای نیازمند است که در فضای روزنامه نگاری وابسته به جهت گیری های سیاسی شدنی نیست.

اما راه گریز از این زبان جانب دارانه در روزنامه نگاری ما چیست؟ **رمضانپور** در پاسخ به این سوال هم تاکید می کند: «روزنامه نگاری بخشی از زیست محیط اجتماعی و سیاسی است و نمی تواند مستقل از آن دیده شود. اگر بخواهم پاسخ صریحی به پرسش شما بدهم این است که ما نیازمند آگاه کردن روزنامه نگاران از رفتار خودشان و آموزش آنان هستیم تا بتوانیم تا حدی از زبان جانب دارانه فاصله بگیریم. اما فراموش نکنیم که این شرایط، بدون بازگرداندن کارکرد های احزاب به آنان و آزادی سایر اشکال بیان در جامعه ممکن نیست. فعلا روزنامه های ما مجبورند بار همه راه های بسته ابراز خویش را در ایران به دوش بگیرند. روزنامه نگاران ایرانی به تجربه دریافته اند که حفظ زبان بی طرف دو پیامد غیر دلخواه برای آنان دارد. یکی این که نمی توانند مخاطبانی را که تشنه صراحت و گاه هیجان و احساس ناشی از تحولات دوره ای هستند به سوی خود جذب کنند و دیگر این که از گردونه پارگیری نیروهای سیاسی خارج می شوند. نیروهای سیاسی که به دلیل فقدان شفافیت صحنه سیاسی در ایران برنامه های سیاسی خود را پشت اهداف رسانه ای پنهان می کنند. فضای روزنامه نگاری و فعالیت سیاسی در ایران آمیخته تر «از آن است که با توصیه های حرفه ای به بی طرفی مشکلی حل شود

### روزنامه نگار و رصد کردن قدرت سیاسی

**ژیلا بنی یعقوب**، روزنامه نگار دیگری است که در این باره با ما گفت و گو می کند، او که براساس حکم دادگاه انقلاب اسلامی به مدت سی سال از فعالیت مطبوعاتی محروم شده و مدتی را نیز در زندان گذرانده است، می گوید: «مدتی است که مبهوت به زبان ستایش گر برخی از همکاران روزنامه نگار برای شخصیت های دولتی و صاحبان قدرت نگاه می کنم و از خودم می پرسم مگر روزنامه نگار وظیفه اش رصد کردن قدرت نیست که این همکاران به جای نظارت بر قدرت و نقد مداوم آن، مدام در حال ستایش کسانی هستند که تازه (و یا دوباره) به قدرت رسیده اند. شاید برخی از همکاران روزنامه نگارم فکر می کنند وقتی به کسی رای داده اند و حالا آن فرد رییس جمهور شده، مدام باید برای او هورا بکشند و همه رفتارها و کارهایش را تحسین و توجیه کنند برخی همکاران طوری رفتار می کنند که «انگار مسوول روابط عمومی رییس جمهور و یا فلان وزیر هستند

این روزنامه نگار می گوید: «دلم می خواهد به این همکاران بگویم در روز انتخابات به آن فرد رای دادید و تمام شد، حالا اگر روزنامه نگارید دیگر زمان دفاع از رای تان در نشریه ای که کار می کنید نیست. البته اگر خیلی علاقمندی می توانید در خانه و محافل شخصی تا دلتان می خواهد به صاحبان قدرت و سیاستمداران مورد علاقه تان ابراز محبت کنید، اما باور کنید که در رسانه ها مردم انتظار دیگری از شما دارند. اگر دوست دارید که بر قدرت نظارت نکنید بلکه توجیه کننده و مبلغ آن «باشید می توانید در روابط عمومی ها مشغول به کار شوید و یا فعال حزبی باشید و به راحتی از سیاستمداران محبوب خود حمایت کنید

این روزنامه نگار برای گفته هایش مثالی می آورد: «مثلا عده ای از خبرنگاران آنچنان با ستایش اخبار آقای ظریف، وزیر امور خارجه را دنبال و بیان می کنند و برای هرسخن و گفته اش هورا می کشند که به ندرت دیده ام کسی مواضع ایشان را نقد کند. مثلا وقتی آقای ظریف در دیدار با خاتم ناوی پیلائی، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد از وضعیت حقوق بشر در ایران دفاع کرد و به نوعی گزارش های احمد شهید را زیر سوال برد، کمتر خبرنگاری پرسید آقای ظریف واقعا

وضعیت حقوق بشر در ایران مشکلی ندارد؟ حتی کسی از ایشان نپرسید چرا به جای دعوت از احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص حقوق بشر در ایران از خانم ناوی پیلای برای تهیه گزارش از وضعیت حقوق بشر در ایران دعوت می کنید؟» البته از این موارد کم نداریم. من این نمونه را صرفاً به عنوان یک مثال ارائه کردم.

### احساس شراکت در قدرت میان برخی از روزنامه نگاران

این روزها تعدادی از روزنامه نگاران ایرانی می گویند دیگر عصر انتقاد یا اپوزیسیون ماندن به سر آمده است و باید برای موفقیت دولت تلاش کنیم. برخی این مساله را در مقاله های خود به صراحت اعلام کرده اند و برخی در لابه لای گزارش هاو خبرهایشان سعی در این کار دارند. آیا وظیفه روزنامه نگار تلاش برای موفقیت دولتهاست؟

**رمضانپور** در این باره می گوید: «این که عصر اپوزیسیون تمام شده یا دوره انتقاد به سر آمده صرف نظر از نادرستی نظری و تاریخی اساساً نوعی حکم معطوف به درخواست و دستور است. به زبان ویتگنشتاین این گزاره را باید به معنای رفتار ببینیم. معنی این رفتار آن است که گروهی را از مخالفت با خود بازداریم. به این معنا سخن گفتن از تمام شدن دوره اپوزیسیون و انتقاد بخشی از پروپاگاندای قدرت مستقر است. متأسفانه در هفته های اخیر به برخی از جناح های سیاسی و روزنامه نگاران همراه و وابسته به آنان نوعی احساس شراکت در قدرت دست داده است که پیامد آن تقلیل نگاه انتقادی به نگاه تبلیغاتی بوده است. به عبارت دیگر آنها به بخشی از دستگاه پروپاگاندای دولتی پیوسته اند. من فکر می کنم این احساسی گذراست و به زودی با روشن شدن پیچیدگی های اوضاع از این ساده اندیشی فاصله خواهیم گرفت. روزنامه نگاری بدون بیان انتقادی تبدیل شدن به روابط عمومی است. متأسفانه بسیاری از روزنامه نگاران ما به دلیل نزدیکی به جریان های سیاسی به «عاملی برای روابط عمومی این جریان ها یا در بهترین حالت کمپینر های یک پروژه سیاسی تبدیل می شوند»

به گفته **رمضانپور** در چنین شرایطی گروهی از روزنامه نگاران به هوای سیاستمدار شدن به ابزاری برای بازی سیاستمداران تبدیل می شوند. فضای روزنامه نگاری ما پر شده است از اظهار نظر هایی که معمولاً نه مبتنی بر بررسی های درازمدت یا تخصصی بلکه مبتنی بر حدس و گمان های روزمره است. هر اتفاقی می افتد همه در باره آن حرف می زنند بی آن که لزوماً کارشناس آن باشند و این بلا بیش از همه به جان روزنامه نگاران ما افتاده است. به ندرت می بینیم که روزنامه نگاران ما خودشان منبع دادن خبری تازه یا کشف ماجرابی باشند، بلکه معمولاً در باره اتفاقات صحنه سیاست حرف می زنند. به دلیل مجموعه این شرایط رشد روزنامه نگاری ما طبیعی نبوده است به این معنا که مانند کاریکاتور ها یک بخش آن بیش از حد گنده شده و بخش های دیگر کوچک و رشد نیافته مانده است. مثلاً در همه این تحولات شما تغییرات را در روزنامه نگاری سیاسی می بینید نه روزنامه نگاری اجتماعی یا اقتصادی یا محیط زیست. روزنامه های ما در این حوزه ها رشد نمی کند و درجا می زند. حتی وقتی روزنامه نگاران ما به سراغ فرهنگ و ادبیات و محیط زیست هم می روند از زاویه سیاست به آن می پردازند. به نظر من این ویژگی ها روزنامه نگاری ما را به روزنامه نگاری کلیشه ای تقلیل داده است. روزنامه نگاری که سطحی بودن و روزمره بودن را به روزنامه نگاران ما می آموزد.

**مراد (رضا) ویسی** اما در این باره می گوید: «اگر وظیفه روزنامه نگار را فقط خبر رسانی صرف ندانیم، نقد و نگرش انتقادی یکی از مبانی اصلی فعالیت روزنامه نگاران است. حتی گاهی ارسال و انتشار یک خبر ساده نیز می تواند نوعی نقد تلقی شود اما هنگامی که روزنامه نگار وارد قالب هایی مانند گزارش و مصاحبه و حتی یادداشت نویسی می شود در هم تنیدن این نوع فعالیت ها با نقد بویژه نقد قدرت بیشتر آشکار می شود. طبیعتاً روزنامه نگاری بدون نقد خالی از مبانی روزنامه نگاری مستقل است»

### آیا روزنامه نگار اپوزیسیون است؟

اینکه برخی روزنامه نگاران در ایران برای خود نقش اپوزیسیون قائل می شوند درست است؟ آیا قائل شدن چنین نقشی برای روزنامه نگار جهت گیری های بعدی را در پی نخواهد داشت؟

**رمضانپور** در این باره هم تأکید می کند: «روزنامه نگار راوی است نه داور. آنچه را دیگران می بینند و می شنوند توصیف می کند نه توصیه. با این منطق حتی اگر روزنامه نگاری، دارای یک دیدگاه و باور سیاسی باشد، نباید به لحن ترویجی سخن بگوید. همه دانش و تکنیک روزنامه نگاری برای این است که به روزنامه نگار بیاموزد که چگونه بی طرفانه حرف بزند. و اگر در جایی جانب دار است بتواند اثر این جانب داری را به صراحت در گزارش خود از واقعیت بیابد و گاه آن را متمایز کند یا متذکر شود. اگر روزنامه نگاری پیشاپیش جای سیاسی خود را روشن کند که له یا علیه یک سیستم قدرت است خود به خود در چارچوب یک روزنامه نگاری مسلکی یا حزبی دیده می شود. روزنامه نگاری در این حال از یکی از مهم ترین کارکرد های خود یعنی اطلاع رسانی فاصله می گیرد. اطلاع رسانی جامع در باره همه موضوعات که می تواند امکان بررسی عمیق تر در باره همه جنبه های زندگی را فراهم سازد. روزنامه نگاری که وظیفه خود را تنها در چارچوب

طرفداری یا مخالفت با یک رژیم سیاسی تعریف کند به تدریج از نقش استراتژیک خود در کمک کردن به افزایش آگاهی عمومی در باره تحولات زندگی روزمره باز  
«می ماند»

### روزنامه نگار همواره منتقد قدرت

نقش روزنامه نگار در زمان چرخش قدرت سیاسی چیست کمک کردن به قدرت ، انتقاد به آن یا بی طرفی محض و سکوت؟

ژیلا بنی یعقوب در این باره می گوید: «ما همیشه و همه جا باید بر مبنای وظیفه حرفه ای مان رفتار کنیم و نباید رفتار ما تابع قدرت سیاسی باشد . خیلی از ما بر مبنای وظیفه حرفه ای یک روزنامه نگار با سیاستمداران رفتار نمی کنیم. بلکه بسته به اینکه چه کسی رییس دولت باشد رفتار حرفه ای مان را تغییر می دهیم. اگر به طور مثال محمود احمدی نژاد یا وزیر خارجه احمدی نژاد موضع آقای ظریف را درباره وضعیت حقوق بشر می گرفتند به احتمال زیاد اغلب روزنامه نگاران از او انتقاد می کردند. امروز هم باید با همان معیارهای مشخص حرفه ای با دولتمردان برخورد کنیم نه اینکه چون ایشان آقای ظریف است و ما دوستش داریم پس اشتباهاتش را نادیده می گیریم. این جور بی صداقتی نسبت به حرفه روزنامه نگاری و همین طور بی صداقتی نسبت به مردم است و همین باعث می شود که «مردم همچنان اقبال چندانی به روزنامه ها نداشته باشند»

او اضافه می کند: «روزنامه نگار هم باید گزارشگر بی طرف رویدادها باشد و هم ناظر و منتقد قدرت. مردم از روزنامه نگاران انتظار دارند که با دقتی موشکافانه «دولت را نقد کنند»

رضا ویسی با تاکید بر اینکه روزنامه نگار نمی تواند بستر اجتماعی خاص خود را نادیده بگیرد به این سوال پاسخ می دهد: «اصول روزنامه نگاری و رعایت آن تابعی از چرخش قدرت نیست . ضمن اینکه این اصول یعنی رعایت ارزش ها و عناصر خبری و توجه به اموری نظیر دقت، سرعت و جامعیت در انتقال خبر تابعی از وضعیت هر کشور نیست . اما به طور طبیعی فضای روزنامه نگاری در هر کشوری تابع شرایط سیاسی و امنیتی و اجتماعی خاصی است که مانند یک پلاتفورم و بستر برای فعالیت روزنامه نگاران عمل می کند و هیچ روزنامه نگاری نمی تواند بدون توجه به این بستر ، فعالیت کند . به عنوان مثال در ایران توصیه های شورای عالی امنیت ملی به روزنامه ها و روزنامه نگاران در مورد پوشش اخبار که از طریق معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می «گیرد یکی از عوامل مهم در نحوه پوشش و انتشار اخبار و تحولات است»

رمضانپور هم به نقش بسیار مهم تحقیق و تحلیل توسط روزنامه نگاران در زمان تغییر قدرت سیاسی اشاره می کند: «در هنگام چرخش های سیاسی عمده، روزنامه نگار باید نقش یادآوری کننده حافظه تاریخی را بازی کند. روزنامه نگار باید بتواند تجربه های گذشته را به یاد آورد و مسیر تغییرات را ببیند. پیامد های آن را در زندگی گروه های مختلف اجتماعی جست و جو کند و همچنان منتقد قدرت بماند. بدون موضع انتقادی در باره قدرت توانایی جدا کردن پروپاگاندا و واقعیت از یکدیگر ممکن نیست»

به عقیده او از این نظر روزنامه نگاری این روزهای ما چندان پیشرفتی نداشته است: «روزنامه نگاری ایران در دهه هفتاد به اوج خود رسید اما در این سال ها هیچ تجربه تازه ای نداشته است . همه چیز به نوعی تداوم همان روشی است که روزنامه نگاری ما در دهه هفتاد به آن دست یافت. از این نظر روزنامه نگاری ما نه فقط از روزنامه نگاری در اروپا و امریکا که حتی از روزنامه نگاری در کشورهای عربی هم عقب تر است. این روزنامه نگاران نیستند که قواعد را تعریف می کنند این نیاز های اجتماعی است که برای روزنامه نگار مشخص می کند که چه چیزی را دنبال کند. نیاز امروز جوامع دسترسی به اطلاعات بیشتر و دقیق تر است و کسانی که برای رسیدن به دانشی دقیق تر دست به کار تحقیق می زنند. به همین دلیل است که روزنامه نگاری پیشرو در دنیای امروز روزنامه نگاری تحقیقی است. همان چیزی که جایش در روزنامه نگاری امروز ما خالی است. از این نظر ما باید همان راهی را دنبال کنیم که روزنامه نگاران پیش رو در دنیا دنبال می کنند. «تحقیق بیشتر ، اطلاعات دقیق تر و معتبر تر و کار کردن روی تحلیل دقیق تر اطلاعات»

[http://khabarnegaran.info/article.php3?id\\_article=2461](http://khabarnegaran.info/article.php3?id_article=2461)